شفق و تلاق در وام بانک شرق شعله‌ی چهل‌ساله مشترک پرکشان ۱ ماهنامه هنر/ مهرداد رضوی

□ نشر ۱۴۰۱ / ۱۰۰ صفحه

مهرداد رضوی

۲ دیدار نیاز که هنگام نیمه‌شب بیشتر بانک شرق در خیابان نارون، چراغ‌های کم‌نور و پرده‌های نیمه‌باز، مجموعه‌ای از نامه‌ها، عکس‌ها و نوارهای کوتاه را به من داد. این مجموعه به ظاهر مدارک وام است. اما در عمل روایت چهل سال همکاری دو خانواده است که یکی وام می‌گیرد و دیگری وام می‌دهد و هر بار که قرارداد امضا می‌شود، چیزی از کرامت یکی به دیگری منتقل می‌شود بدون آنکه هیچ‌کس رسماً چیزی از دست بدهد. این یادداشت‌ها حاصل دیدار من با مدیران بانک، وام‌گیرندگان قدیمی و بازماندگان یکی از آن خانواده‌هاست. هدف من داوری درباره درستی یا نادرستی وام‌ها نیست. هدف نشان دادن این است که چگونه یک قرارداد خشک می‌تواند به زبان دوستی، وفاداری و گاه زخم تبدیل شود.

بانک شرق در سال ۱۳۴۱ با سرمایه‌ای اندک و شعاری ساده تأسیس شد: وام به کشاورز، بدون تضمین سنگین، با بهره‌ای که بتواند بذر بخرد و بیل بخرد. در آن سال‌ها بیش از ۶۰ درصد وام‌های بانک به روستاها رفت و میانگین مبلغ هر وام معادل حقوق سه ماه یک کارمند بود. این اعداد را از گزارش‌های داخلی بانک می‌توان دید. در دهه‌ی ۱۳۵۰ شعار بانک تغییر کرد و عبارت «وام به آینده» وارد اساسنامه شد. این تغییر ظاهری کوچک بود اما پیامدهایش سال‌ها ادامه یافت. از آن پس وام‌ها برای خرید بذر اصلاح‌شده، لوله‌کشی مزارع و آموزش کوتاه‌مدت داده شد. بانک حساب می‌کرد که اگر کشاورز سودمند شود، هم بانک و هم کشور سودمند می‌شوند.

در دهه‌ی ۱۳۶۰ وضع دگرگون شد. تورم بالا رفت، ارزش پول کاهش یافت و بانک ناچار شد سود وام‌ها را تغییر دهد. در سال ۱۳۶۴ سود وام‌ها به ۱۸ درصد رسید و برای برخی وام‌گیرندگان این عدد معادل نیمی از درآمد سالانه‌ی خانوار بود. در همان سال ۱۲۰ فقره وام به تأخیر افتاد. بانک دو راه داشت: یا وام‌ها را سوخت کند و یا پرونده‌ها را به دادگستری بفرستد. مدیران بانک در جلسه‌ای که صورت‌جلسه‌ی آن در بایگانی موجود است، رأی دادند که پرونده‌ها باز بماند و زمان مهلت داده شود. این تصمیم هزینه‌ی بانک را بالا برد و سود سهام را کاهش داد. اما در گفتگوها ثبت شد که بانک حاضر است زیان مالی را بپذیرد تا رابطه‌ی اعتماد با روستاها از بین نرود.

در دهه‌ی ۱۳۷۰ بانک با رقیب‌های خصوصی روبه‌رو شد که سود بیشتر می‌دادند و سختی کمتر. شعار بانک تغییر کرد و عبارت «وام به آینده» حذف شد. این حذف را می‌توان نشانه‌ی کاهش اعتماد به آینده دانست. اما در همان سال‌ها بانک برای نخستین بار آموزش کوتاه‌مدت برای وام‌گیرندگان برگزار کرد. آموزش درباره‌ی حساب، قرارداد و زمان بازپرداخت. شرکت‌کنندگان می‌گفتند پیش از آن کسی به آنها نگفته بود که بهره چگونه محاسبه می‌شود. این آموزش هزینه‌ی بانک را بالا برد و سود سهام را کاهش داد. اما در گفتگوها ثبت شد که بانک حاضر است زیان مالی را بپذیرد تا رابطه‌ی اعتماد با روستاها از بین نرود.

در دهه‌ی ۱۳۸۰ بانک با بحران بدهی روبه‌رو شد. بخشی از وام‌ها دیر شد و بخشی به کلی وصول نشد. مدیران بانک در جلسه‌ای که صورت‌جلسه‌ی آن در بایگانی موجود است، رأی دادند که پرونده‌ها باز بماند و زمان مهلت داده شود. این تصمیم هزینه‌ی بانک را بالا برد و سود سهام را کاهش داد. اما در گفتگوها ثبت شد که بانک حاضر است زیان مالی را بپذیرد تا رابطه‌ی اعتماد با روستاها از بین نرود.

در دهه‌ی ۱۳۹۰ بانک با رقیب‌های خصوصی روبه‌رو شد که سود بیشتر می‌دادند و سختی کمتر. شعار بانک تغییر کرد و عبارت «وام به آینده» حذف شد. این حذف را می‌توان نشانه‌ی کاهش اعتماد به آینده دانست. اما در همان سال‌ها بانک برای نخستین بار آموزش کوتاه‌مدت برای وام‌گیرندگان برگزار کرد. آموزش درباره‌ی حساب، قرارداد و زمان بازپرداخت. شرکت‌کنندگان می‌گفتند پیش از آن کسی به آنها نگفته بود که بهره چگونه محاسبه می‌شود. این آموزش هزینه‌ی بانک را بالا برد و سود سهام را کاهش داد. اما در گفتگوها ثبت شد که بانک حاضر است زیان مالی را بپذیرد تا رابطه‌ی اعتماد با روستاها از بین نرود.

در دهه‌ی ۱۴۰۰ بانک با بحران بدهی روبه‌رو شد. بخشی از وام‌ها دیر شد و بخشی به کلی وصول نشد. مدیران بانک در جلسه‌ای که صورت‌جلسه‌ی آن در بایگانی موجود است، رأی دادند که پرونده‌ها باز بماند و زمان مهلت داده شود. این تصمیم هزینه‌ی بانک را بالا برد و سود سهام را کاهش داد. اما در گفتگوها ثبت شد که بانک حاضر است زیان مالی را بپذیرد تا رابطه‌ی اعتماد با روستاها از بین نرود.

در دهه‌ی ۱۴۰